

فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
سال چهارم - شماره ۳ - پاییز ۹۲
صص ۱۵۴ - ۱۳۹

رابطه سرمایه اجتماعی با سرمایه فکری و مدیریت دانش (مطالعه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان)

غلامعلی محسنی فرد^{۱*}، غلامرضا رضایی^۲، سید علی حسینی راد^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۲۶

چکیده

هدف این مقاله بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر عملکرد سرمایه فکری و مدیریت دانش در بین کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان است. روش پژوهش مورد استفاده توصیفی همبستگی، از نوع نظرسنجی است که از لحاظ زمانی یک پژوهش مقطعی به حساب می آید. جامعه آماری این پژوهش را تمامی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان تشکیل داده است. نمونه آماری پژوهش با استفاده از جدول مورگان، ۹۳ نفر به دست آمد. برای گردآوری داده‌ها از پرسش-نامه استاندارد سرمایه فکری بنتیس، پرسش‌نامه استاندارد مدیریت دانش کوئینگ و پرسش‌نامه سرمایه اجتماعی استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش‌های آماری تحلیل همبستگی و تحلیل رگرسیون و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۱۹ تجزیه و تحلیل انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این است که به‌گونه کلی بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با سرمایه فکری و مدیریت دانش رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، سرمایه اجتماعی می‌تواند به عنوان یکی از قابلیت‌های سازمان به شمار آید و در خلق و تسهیم دانش موجود در سرمایه‌های فکری و مدیریت دانش سازمان کمک بسیار نماید.

واژه‌های کلیدی: مدیریت دانش، سرمایه فکری، سرمایه اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی.

^۱ - کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شیراز

^۲ - عضو باشگاه پژوهش‌گران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان

^۳ - کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شیراز

*- نویسنده مسئول: ap1502@Yahoo.com

مقدمه

اصطلاح سرمایه فکری را اولین بار گالبریس در سال ۱۹۶۹ مطرح کرد. در سال‌های اخیر مطالعات بسیار زیادی در زمینه بررسی نقش دارایی‌های دانشی و اثرات آن بر کارایی سازمان‌ها و نهادهای گوناگون انجام شده است. به‌عنوان نمونه، می‌توان به مطالعات انجام شده به‌وسیله بنتیس و همکاران (Bontis et al., 2000)، ریاحی‌بلکویی (Riahi-Belkaoui, 2003) و وایت و همکاران (White et al., 2010) و در ایران به محمودآبادی و همکاران (Mahmudabadi et al., 2012) رضایی و همکاران (Rezaei et al., 2013) اشاره کرد. سرمایه فکری فراهم‌کننده یک پایگاه منابع جدید است که از راه آن سازمان می‌تواند به رقابت بپردازد. امروزه اساس فعالیت سازمان‌های موفق از تولیدمحوری به سمت دانش‌محوری انتقال یافته است. استوارت (Stewart, 1997) سرمایه انسانی را مهم‌ترین دارایی سازمان تلقی می‌کند. افزون‌بر این، طرفداران مکتب فکری دانش محور مانند اینکپن (Inkpen, 1998, p 147) و زاک (Zack, 1999, p 132) نیز معتقدند اگر شرکتی از سرمایه فکری و دارایی‌های دانشی بهتری در محیط کسب و کار برخوردار باشد، مزیت رقابتی خواهد داشت. تجربه نشان داده است که موفقیت سازمان‌ها و شرکت‌های پیشرو مانند میکروسافت، گوگل و سایر شرکت‌های بزرگ متکی بر سرمایه فکری‌شان است. بنابراین سرمایه فکری و مدیریت دانش در پی آن است که در سازمان‌ها، دارایی‌های فکری، دانش، تجربه و یادگیری سازمانی جهت نیل به توسعه همه جانبه بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا، نتایج برخی از پژوهش‌ها (به‌عنوان نمونه، Rezaei et al., 2013) نشان داده است که وجود دارایی‌های دانشی در سازمان استفاده بهینه از آنها منجر به بهبود کیفیت ارائه خدمات به مشتریان می‌شود.

مدیریت سرمایه فکری بیش از هر چیز مدیریت پدیده‌های اجتماعی است (Kheirkhah, 2011, p 2). یکی از مفاهیم مهم و فرا رشته‌ای در بحث مدیریت پدیده‌های اجتماعی، مفهوم سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که امروزه در جامعه‌شناسی و اقتصاد و به تازگی در مدیریت و سازمان به صورت گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. پانتام (Putnam, 2000)، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. از نظر پانتام (Putnam, 2000)، اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه، به‌عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است. هم‌چنین، عمده ویژگی که می‌توان برای شرایط فعلی هر سازمانی به خصوص نهادهای دانش‌بنیان، مانند دانشگاه، متصور بود؛ تغییرات بسیار سریع، گسترده، عمیق و پیچیده محیط حاکم بر فضای آنها است (Nazem & Motalebi, 2011, p 30). با توجه به موارد بالا این پرسش مطرح می‌شود که آیا سرمایه اجتماعی موجود در

دانشگاه (به عنوان یک نهاد دانش بنیان) بر عملکرد سرمایه فکری و مدیریت دانش آن نقشی دارد؟ بنابراین، هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با سرمایه فکری و مدیریت دانش در بین کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان است. اهمیت این پژوهش در این است که به مدیران و مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی و سایر سازمان‌ها نشان می‌دهد که چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی سازمان و دارایی‌های دانشی آن وجود دارد و آنها بر این اساس تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ می‌کنند.

در ادامه مقاله مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع در داخل و خارج از ایران و هم‌چنین فرضیه‌های برگرفته از مساله و مبانی نظری پژوهش بیان می‌شود. روش پژوهش مورد نیاز برای تجزیه تحلیل داده‌ها، شرح و نتایج آزمون فرضیات مطرح می‌شود و در پایان با توجه به نتایج، مبانی نظری و پیشینه مطرح شده، نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد و با ذکر محدودیت‌ها و پیشنهادها به پایان می‌رسد.

مبانی نظری پژوهش

به اعتقاد کگیوت و زندر، یک سازمان یک گروه اجتماعی است، که مشخصه آن سرعت و کارایی در ایجاد و انتقال دانش می‌باشد (Ghelichli & Moshabaki, 2006, p 126). در عصر حاضر سازمان‌هایی موفق هستند که همه‌ی مدیران آن برای بالا بردن توانایی سرمایه‌های انسانی خود بکوشند. برخی از محققان و نویسندگان مانند آرمسترانگ (Armstrong, 2001) در مدل‌های مفهومی خود، سرمایه اجتماعی را عنصری از سرمایه فکری در نظر می‌گیرند؛ و برخی دیگر آن را به عنوان یک عامل مؤثر در ایجاد سرمایه فکری مورد بحث قرار می‌دهند. اگر چه بنتیس (Bontis, 1999) در مدل سرمایه فکری خود از عنوان سرمایه اجتماعی استفاده نمی‌کند، با این وجود اذعان می‌کند که اعتماد و فرهنگ تسهیل کننده سرمایه فکری در سازمان‌ها هستند.

در خصوص سرمایه اجتماعی تعاریف متعددی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. بورديو سه نوع سرمایه را شناسایی نمود؛ این اشکال سرمایه عبارت از شکل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بودند. وی بیان می‌کند که سرمایه اجتماعی به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد (Alvani, 2001, pp 4-5). ناهاپیت و گوشال (Nahapiet & Ghoshal, 1998, pp 242-266) نیز سرمایه اجتماعی را به عنوان جمع منابع بالفعل و بالقوه موجود در درون، قابل دسترس از راه، و ناشی شده از شبکه روابط یک فرد یا یک واحد اجتماعی تعریف می‌کنند. از دیدگاه آنها سرمایه اجتماعی یکی از قابلیت‌ها و دارایی‌های مهم سازمانی است که می‌تواند به سازمان‌ها در خلق و تسهیم دانش کمک بسیار نماید و برای آنها در مقایسه با سازمان‌های دیگر مزیت سازمانی پایدار ایجاد کند. به عبارت دیگر، آنها از

دیدگاه سازمانی به مقوله سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. آنها برای سرمایه اجتماعی سه بعد تحت عنوان ساختاری، رابطه‌ای و شناختی در نظر گرفته‌اند.

عنصر ساختاری سرمایه اجتماعی اشاره به الگوی کلی تماس‌های بین افراد دارد؛ یعنی شما به چه کسانی و چگونه دسترسی دارید. مهم‌ترین جنبه‌های این عنصر عبارت است از روابط شبکه‌ای بین افراد، پیکربندی شبکه‌ای و سازمان مناسب. پیشنهاد اصلی نظریه سرمایه اجتماعی این است که روابط شبکه‌ای امکان دسترسی به منابع (مانند دانش) را فراهم می‌سازند. پیکربندی کلی روابط شبکه‌ای یک جنبه مهم سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهد که می‌تواند بر توسعه سرمایه فکری و مدیریت دانش و بهبود عملکرد آنها تأثیر بگذارد. سازمان‌های اجتماعی مناسب می‌توانند یک شبکه بالقوه دسترسی به افراد و منابع‌شان از جمله اطلاعات و دانش را فراهم کنند و از راه ابعاد شناختی و رابطه‌ای سرمایه اجتماعی ممکن است انگیزش و قابلیت را برای تبادل تضمین کنند (Ghelichli & Moshabaki, 2006, pp 130-133). عنصر شناختی سرمایه اجتماعی نیز اشاره به منابعی دارد که فراهم کننده مظاهر، تعبیرها و تفسیرها و سیستم‌های معانی مشترک در میان گروه‌ها است (Chen et al., 2004, p 201). مهم‌ترین جنبه‌های این بعد عبارتند از زبان و کدهای مشترک و حکایات مشترک.

به دلایل گوناگونی زبان مشترک بر شرایط ترکیب و تبادل دانش تأثیر می‌گذارد. اول این که، زبان کارکرد مستقیم و مهمی در روابط اجتماعی دارد، چرا که ابزاری است که به وسیله آن افراد با یکدیگر بحث می‌کنند، اطلاعات را مبادله می‌کنند، از یکدیگر پرسش می‌پرسند، و در جامعه امور تجاری انجام می‌دهند. دوم این که، زبان بر ادراکات افراد تأثیر می‌گذارد. کدها هم‌چنین یک چارچوب مرجع برای مشاهده و تفسیرمان از محیط فراهم می‌کنند. سوم این که، زبان مشترک قابلیت ترکیب اطلاعات را افزایش می‌دهد. افزون بر زبان و کدهای مشترک، محققان نیز معتقدند اسطوره‌ها، داستان‌ها و استعاره‌ها ابزارهای قدرتمندی در اجتماعات برای ایجاد، تبادل، و نگهداری مجموعه‌های غنی معانی فراهم می‌کنند.

عنصر رابطه‌ای توصیف‌کننده نوعی روابط شخصی است که افراد با یکدیگر به خاطر سابقه تعاملاتشان برقرار می‌کنند. مهم‌ترین جنبه‌های این بعد از سرمایه اجتماعی عبارتند از: اعتماد، هنجارها، الزامات و انتظارات، هویت.

برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد در جایی که روابط مبتنی بر اعتماد در سطح بالایی وجود دارند، افراد تمایل زیادی برای تبادل اجتماعی و تعامل همکارانه دارند. به‌عنوان نمونه، بنتیس (Bontis, 2001, p 295) مطرح می‌کند که اعتماد می‌تواند ایجاد سرمایه فکری و دانش را تسهیل کند. هنجارهای همکاری می‌توانند پایه‌ای قوی برای ایجاد سرمایه فکری به‌وجود آورند. استاریاک

(Sturbuck, 1995, p 718) نیز اهمیت هنجارهای اجتماعی مانند صداقت و کار تیمی را به عنوان ویژگی‌های کلیدی شرکت‌های دانش محور مطرح می‌کند. الزامات نشان‌دهنده یک تعهد یا وظیفه برای انجام فعالیتی در آینده است. ناهاپیت و گوشال (Nahapiet & Ghoshal, 1998, p 251) در زمینه ایجاد سرمایه فکری و دانش بیان می‌کنند که الزامات و انتظارات احتمالاً بر دسترسی و انگیزش افراد و گروه‌ها برای تبادل و ترکیب دانش تأثیر می‌گذارند.

پیشینه پژوهش

انواری رستمی و سراجی (Anvari Rostami & seraji, 2005) ضمن سنجش سرمایه فکری به بررسی رابطه میان سرمایه فکری و ارزش بازار سهام شرکت‌ها با استفاده از داده‌های مربوط به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۲ پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان بیانگر اهمیت سرمایه‌های فکری، درک اهمیت ارزش آن از سوی سرمایه‌گذاران و همبستگی بالای سرمایه فکری با ارزش بازاری سهام شرکت‌ها است.

آشنا و همکاران (Ashna et al., 2006)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین کارآفرینی درون-سازمانی و سرمایه اجتماعی در یک شرکت صنعتی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (شناختی و ساختاری) با کارآفرینی درون سازمانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش سرمایه اجتماعی، کارآفرینی درون سازمانی نیز افزایش می‌یابد.

قلیچ‌لی و مشبکی (Ghelichli & Moshabaki, 2006)، در پژوهشی به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه فکری در دو شرکت خودروسازی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که سرمایه اجتماعی نقش مؤثری در ایجاد و بهبود عملکرد سرمایه فکری و عناصر آن (شامل سرمایه انسانی، سرمایه رابطه‌ای و سرمایه ساختاری) در دو شرکت مورد مطالعه دارد. هم‌چنین، نتایج پژوهش قلیچ‌لی و مشبکی نشان داد که سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی دو شرکت مورد مطالعه در افزایش سرمایه رابطه‌ای آنها تأثیر مثبت معناداری دارند. در حالی که، سرمایه ساختاری تأثیر معناداری بر سرمایه رابطه‌ای ندارد.

قانع‌راد (Ganeie Rad, 2006)، در پژوهش خود به بررسی نقش تعاملات دانشجویان و اساتید در تکوین سرمایه اجتماعی دانشگاهی پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان داد که روابط دانشجویان با اساتید خود در حد پایینی قرار دارد. افزون بر این، نتایج پژوهش قانع‌راد نشان داد که افزایش ارتباطات دانشجویان با اساتید، به افزایش پیشرفت تحصیلی دانشجویان می‌انجامد و افزایش روابط با اساتید بر میزان اثربخشی دانشجویان می‌افزاید.

مدهوشی و اصغر نژادامیری (Madhoshi & Asgharnejadamiri, 2009)، در پژوهش خود ضمن بررسی سنجش سرمایه فکری، به بررسی رابطه آن با بازده مالی شرکت‌ها با استفاده از داده‌های مربوط به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۵ پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین سرمایه فکری با بازده مالی و بازده مالی آتی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش مدهوشی و اصغر نژادامیری نشان‌دهنده رابطه مثبت معناداری بین نرخ رشد سرمایه فکری و نرخ رشد بازده مالی می‌باشد.

عباسی و گلدی‌صدقی (Abasi & Goldi Sedgi, 2010)، به بررسی تأثیر کارایی عناصر سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از داده‌های مربوط به ۹۹ شرکت در بازه زمانی ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۲ پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان حاکی از وجود رابطه مثبت معناداری بین ضریب کارایی هر یک از عناصر سرمایه فکری بر نرخ بازده حقوق صاحبان سهام می‌باشد. همچنین، نتایج پژوهش عباسی و گلدی‌صدقی حاکی از وجود رابطه مثبت بین ضریب کارایی سرمایه فیزیکی و انسانی بر سود هر سهم و وجود رابطه منفی معناداری بین ضریب کارایی سرمایه ساختاری بر سود هر سهم می‌باشد. به‌طور کلی نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای سرمایه فکری بالاتر، عملکرد مالی بهتری دارند.

خیرخواه (Kheirkhah, 2011, p 1)، در پژوهش خود به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری سازمان در ادارات آموزش و پرورش استان کردستان پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش خیرخواه نشان داد که بین هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی (شناختی، ساختاری و رابطه‌ای) و سرمایه فکری رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

رضایی و همکاران (Rezaei et al., 2013)، در پژوهش خود به بررسی نقش سرمایه فکری و مدیریت دانش در بهبود کیفیت ارائه خدمات پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین مدیریت دانش، سرمایه فکری و ابعاد آن با مقدار کیفیت ارائه خدمات از دیدگاه مشتریان رابطه مستقیم معناداری وجود دارد.

بنتیس و همکاران (Bontis et al., 2000)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد تجاری شرکت‌ها در صنایع خدماتی و غیرخدماتی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن است که بین اجزای سرمایه فکری روابط متقابلی وجود داشته است و سرمایه فکری بر روی عملکرد تجاری دارای اثر نسبتاً متوسطی در حدود ۲۵ الی ۳۰ درصد داشته است.

گلیزر (Glaeser, 2001)، در پژوهش خود جهت تعیین مدلی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، پژوهشی کاربردی انجام داد. مطابق نتایج این پژوهش آگاهی اجتماعی یک عنصر کلیدی در

سرمایه اجتماعی بشمار می‌رود. ویژگی‌های فردی اثرگذار در راستای سرمایه اجتماعی و همچنین عملکرد افراد نیز شامل سن، جنس، درآمد، تأثیرات گروه‌های همسالان و مالکیت فردی و اجتماعی در افراد است.

ریاحی‌بلکویی (Riahi-Belkaoui, 2003)، در پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد شرکت‌های چند ملیتی با استفاده از داده‌های مربوط به ۸۱ شرکت در طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ پرداخته است. نتایج پژوهش وی حاکی از آن است که بین عملکرد شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه فکری شرکت رابطه مثبت معناداری وجود دارد. کروز و همکاران (Krause et al. 2006) در بررسی تعیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اثرگذار بر عملکرد شرکت‌های آمریکایی، سرمایه شناختی (آگاهی اجتماعی)، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و افزایش تعاملات اجتماعی را بر بهبود عملکرد (بهبود درآمد، کیفیت فعالیت و ارائه محصول و پیچیدگی کار) شرکت‌ها اثربخش معرفی کرده است. افزون بر این، نتایج پژوهش آنان نشان داد که روابط و تعاملات اجتماعی اثرگذار، بایستی متناسب با عملکرد مورد انتظار شرکت‌ها تنظیم شود. ژانگ (Zhang, 2007) در پژوهش خود به بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر عملکرد شرکت‌های خصوصی در چین پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان داد که بین تنوع عضویت افراد در سازمان‌های گوناگون و عملکرد شرکت‌های خصوصی آنها رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت بر روی تقویت سرمایه اجتماعی اعضای شرکت‌های خصوصی بر عملکرد این شرکت‌ها بسیار اثرگذار خواهد بود. تان و همکاران (Tan et al., 2007) در پژوهشی به بررسی رابطه بین سرمایه فکری و بازده مالی با استفاده از داده‌های مربوط به ۱۵۰ شرکت در بازه زمانی ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۲ پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن است که بین سرمایه فکری و عملکرد فعلی و آتی شرکت رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش تان و همکاران نشان می‌دهد که بین نرخ رشد سرمایه فکری و عملکرد آتی شرکت‌ها رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

در راستای دستیابی به اهداف پژوهش، با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌هایی به شرح زیر طراحی و تدوین شده است:

فرضیه اصلی اول: بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری سازمان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱. بین بعد ساختاری و سرمایه فکری سازمان رابطه معناداری وجود دارد.
 ۲. بین بعد رابطه‌ای و سرمایه فکری سازمان رابطه معناداری وجود دارد.
 ۳. بین بعد شناختی و سرمایه فکری سازمان رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه اصلی دوم:** بین سرمایه اجتماعی و مدیریت دانش سازمان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱. بین بعد ساختاری و مدیریت دانش سازمان رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین بعد رابطه‌ای و مدیریت دانش سازمان رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین بعد شناختی و مدیریت دانش سازمان رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش مورد استفاده توصیفی همبستگی، از نوع نظرسنجی است که از لحاظ زمانی یک پژوهش مقطعی به حساب می‌آید.

جامعه آماری و نمونه مورد بررسی

جامعه آماری این پژوهش تمامی کارمندان و کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان در سال ۱۳۹۱ تشکیل می‌دهد. این دانشگاه یکی از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی است که روزانه بیش از صدها ارباب رجوع به آن مراجعه می‌کنند و روی هم‌رفته دارای ۱۲۰ پرسنل رسمی و غیررسمی می‌باشد. نمونه آماری پژوهش با استفاده از جدول مورگان، ۹۲ نفر به‌دست آمد. برای افزایش تعمیم‌پذیری و از آنجا که احتمال می‌رفت تعدادی از پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری نشود، تعداد ۹۵ پرسش‌نامه توزیع شد که از میان ۹۳ پرسش‌نامه جمع‌آوری شد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه استاندارد سرمایه فکری بنتیس: به‌وسیله بنتیس (۲۰۰۰) تهیه شده و شامل ۲۰ پرسش با ۳ مؤلفه‌ی سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه رابطه‌ای (مشتری) است. آزمودنی می‌بایست نظر خود را درباره هر یک از پرسش‌ها با انتخاب یکی از ۵ گزینه "خیلی کم" تا "خیلی زیاد" نشان دهد که به ترتیب از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود. بنتیس و همکاران (Bontis et al., 2000)، دامنه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) کل پرسشنامه را ۰/۸۷ و ابعاد آن را از ۰/۸۵ تا ۰/۹۴ گزارش کردند که حکایت از پایا بودن پرسشنامه دارد. در ایران روحی‌پناه و همکاران (Rohipanah et al., 2012, p 7)، نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۸۳ گزارش کردند. در این پژوهش ضرایب همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۶ و برای ابعاد سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه رابطه‌ای به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۶۳ و ۰/۸۴ به دست آمد.

پرسشنامه استاندارد مدیریت دانش کوینگ: به‌وسیله کوینگ (۲۰۰۸) تهیه شده و شامل ۱۰ پرسش است و پاسخ‌ها بر روی یک پیوستار لیکرت از ۱ تا ۴ نمره‌گذاری می‌شود. روحی‌پناه و همکاران (Rohipanah et al., 2012, p 7)، با استفاده از روش آلفای کرونباخ به منظور برآورد همسانی درونی پرسش‌ها، ضریب همسانی درونی پرسش‌ها را به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به

دست آورده است. این ضریب حاکی همسانی درونی این پرسشنامه است. در این پژوهش ضریب همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۲ به دست آمد. پرسشنامه سرمایه اجتماعی: به وسیله خیرخواه (Kheirkhah, 2011, p 92) تهیه شده و شامل ۱۷ پرسش با ۳ مؤلفه‌ی ارتباطی، شناختی و ساختاری است. آزمودنی می‌بایست نظر خود را درباره هر یک از پرسش‌ها با انتخاب یکی از ۷ گزینه "کاملاً موافق" تا "کاملاً مخالف" نشان دهد که به ترتیب از ۱ تا ۷ نمره‌گذاری می‌شود. خیرخواه (Kheirkhah, 2011, pp 93-98)، دامنه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) کل پرسشنامه را ۰/۸۰ و ابعاد ارتباطی، شناختی و ساختاری را به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۸۰ و ۰/۸۲ به دست آورد که حکایت از پایا بودن پرسشنامه دارد و برای روایی پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی، مقدار KMO را ۰/۸۸۵ گزارش کرده است. هم‌چنین درصد کل واریانس‌های تبیین شده ۸۷/۴۱ به دست آمده است که با توجه به مقادیر ویژه هر یک از عوامل که بزرگتر از یک بوده است این نتیجه حاصل می‌شود که اعتبار عاملی مناسب است. در این پژوهش ضرایب همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۳ و برای ابعاد ارتباطی، شناختی و ساختاری به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۴ و ۰/۷۶ به دست آمد.

تحلیل آماری داده‌ها

در این پژوهش جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش‌های آماری تحلیل همبستگی، به منظور تعیین نوع و میزان ارتباط بین متغیرها و تحلیل رگرسیون به منظور بررسی تعیین تأثیر متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۱۹ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

مجموعه داده‌ها در خصوص پرسش‌نامه‌های مورد بررسی حاکی از این است که ۳۹/۸ درصد پاسخ‌گویان را زنان و ۶۰/۲ درصد را مردان تشکیل می‌دهد. هم‌چنین، ۱۸/۳ درصد دارای مدارک دیپلم و فوق دیپلم، ۵۷/۹ درصد دارای مدرک کارشناسی و ۱۸/۶ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۵/۲ درصد دارای مدرک دکترا هستند. افزون‌بر این، ۱۹/۹ درصد نمونه را افراد زیر ۳۰ سال، ۴۱/۲ درصد افراد بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۳۱/۳ درصد افراد بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۷/۶ درصد افراد بالای ۵۰ سال هستند.

در جدول شماره ۱ نتایج حاصل از تحلیل همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است. همان‌گونه که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، در تمامی موارد بین ابعاد سرمایه اجتماعی با سرمایه فکری و مدیریت دانش همبستگی مثبت معناداری وجود دارد.

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	سرمایه فکری	مدیریت دانش	بعد ساختاری	بعد رابطه‌ای	بعد شناختی	سرمایه اجتماعی
سرمایه فکری	۱					
مدیریت دانش	۰/۷۸۴**	۱				
بعد ساختاری	۰/۴۵۹*	۰/۳۹۲**	۱			
بعد رابطه‌ای	۰/۷۵۶**	۰/۴۲۷**	۰/۶۲۱**	۱		
بعد شناختی	۰/۶۵۱*	۰/۴۶۸*	۰/۳۸۷*	۰/۵۴۶**	۱	
سرمایه اجتماعی	۰/۵۰۹**	۰/۴۴۲**	۰/۷۲۴**	۰/۸۰۱**	۰/۸۴۱**	۱

*سطح معناداری ۹۹٪ **سطح معناداری ۹۵٪

فرضیه اصلی اول: بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری سازمان رابطه معناداری وجود دارد. در جدول‌های شماره ۲ و ۳ خلاصه نتایج تحلیل رگرسیونی فرضیه فرعی اول پژوهش ارائه شده است. همان‌طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که مدل رگرسیون در کل معنادار است. طبق داده‌های جدول شماره ۳، مقدار R^2_{adj} برابر با ۰/۶۹۷ است؛ که با توجه به این مقدار می‌توان ۶۹/۷ درصد از تغییرات سرمایه فکری را با استفاده از ابعاد سرمایه اجتماعی (بعد ساختاری، بعد رابطه‌ای و بعد شناختی) پیش‌بینی کرد. افزون‌بر این، مقدار آماره‌ی دوربین واتسون که برابر با ۲/۱۲۴ است، مشکلی در خصوص وجود خود همبستگی سریالی را در اجزای اخلال رگرسیون نشان نمی‌دهد.

جدول ۲: جدول ANOVA برای برازندگی مدل رگرسیونی فرضیه اصلی اول

منبع پراکندگی	مجموع مجزورات	df	مجدور میانگین	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۴۶۹۴/۸۷۶	۳	۱۵۶۴/۹۵۸	۴۲/۶۰۹	۰/۰۰۰۵*
باقیمانده	۳۳۱۲/۶۵۵	۹۰	۳۶/۷۲۸		
کل	۸۰۰۷/۵۳۱	۹۳	-		

*سطح معناداری ۹۹٪

جدول ۳: جدول ضرایب حاصل از آزمون مدل رگرسیونی فرضیه اصلی اول

متغیرها	ضرائب	آماره t	بتا	خطای استاندارد	مقدار p
مقدار ثابت	۰/۹۵۷	۳/۸۹۰	-	۰/۲۴۶	۰/۰۰۰۵*
بعد ساختاری	۰/۸۷۳	۵/۶۵۸	۰/۵۲۴	۰/۱۱۶	۰/۰۰۰۵*
بعد رابطه‌ای	۰/۵۸۳	۵/۶۶۰	۰/۳۳۸	۰/۱۰۳	۰/۰۰۰۵*
بعد شناختی	۰/۶۹۷	۳/۳۰۳	۰/۴۳۹	۰/۲۱۱	۰/۰۰۰۵*
R	R^2	R^2_{adj}	خطای استاندارد رگرسیون	آماره دوربین-واتسون	
۰/۸۵۶	۰/۷۲۴	۰/۶۹۷	۵/۲۲۴	۲/۱۲۴	

$$R = 0.697 + 0.873(\text{بعد رابطه‌ای}) + 0.873(\text{بعد ساختاری}) + 0.957(\text{سرمایه فکری})$$

*سطح معناداری ۹۹٪

جدول شماره ۳ ضرایب مربوط به مدل رگرسیونی و سطح معناداری مربوط را نیز نشان می‌دهد. طبق داده‌های این جدول، سطح معناداری مربوط به متغیرهای بعد ساختاری، رابطه‌ای و شناختی سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده آن است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین ابعاد سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری رابطه مستقیم معناداری وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، سرمایه فکری در بین کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان نیز افزایش پیدا می‌کند.

فرضیه اصلی دوم: بین سرمایه اجتماعی و مدیریت دانش سازمان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول‌های شماره ۴ و ۵ خلاصه نتایج تحلیل رگرسیونی فرضیه اصلی دوم پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که مدل رگرسیون در کل معنادار است. طبق داده‌های جدول شماره ۵، مقدار R^2_{adj} برابر با ۰/۸۴۱ است؛ که با توجه به این مقدار می‌توان ۸۴/۱ درصد از تغییرات مدیریت دانش را با استفاده از ابعاد سرمایه اجتماعی (بعد ساختاری، بعد رابطه‌ای و بعد شناختی) پیش‌بینی کرد. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره‌ی دوربین واتسون که برابر با ۲/۰۴۳ است، مشکلی در خصوص وجود خود همبستگی سریالی در اجزای اخلال رگرسیون را نشان نمی‌دهد.

جدول ۴: جدول ANOVA برای برازندگی مدل رگرسیونی فرضیه اصلی دوم

منبع پراکندگی	مجموع مجزورات	Df	مجدور میانگین	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۴۹۷۱/۵۶۹	۳	۱۶۵۷/۱۸۸	۲۴/۰۷۲	۰/۰۰۰۵*
باقیمانده	۶۱۹۵/۷۸۰	۹۰	۶۸/۸۴۲		
کل	۱۱۱۶۷/۳۴۹	۹۳	-		

*سطح معناداری ۹۹٪

جدول ۵: جدول ضرایب حاصل از آزمون مدل رگرسیونی فرضیه اصلی دوم

متغیرها	ضرائب	آماره t	بتا	خطای استاندارد	مقدار p
مقدار ثابت	۲/۱۶۵	۲/۲۵۸	-	۰/۹۵۸	۰/۰۰۶*
بعد ساختاری	۰/۶۷۵	۹/۲۴۶	۰/۴۸۹	۰/۱۰۱	۰/۰۰۰۵*
بعد رابطه‌ای	۰/۷۶۱	۹/۱۶۷	۰/۵۴۲	۰/۰۸۳	۰/۰۰۰۵*
بعد شناختی	۰/۸۴۱	۱۲/۵۵۲	۰/۵۸۷	۰/۰۶۷	۰/۰۰۰۵*
R	R^2	R^2_{adj}	خطای استاندارد رگرسیون	آماره دوربین- واتسون	
۰/۸۸۲	۰/۸۶۴	۰/۸۴۱	۴/۷۶۴	۲/۰۴۳	

(۰/۸۴۱) بعد شناختی + (۰/۷۶۱) بعد رابطه‌ای + (۰/۶۷۵) بعد ساختاری + ۲/۱۶۵ = مدیریت دانش

*سطح معناداری ۹۹٪

جدول شماره ۵ ضرایب مربوط به مدل رگرسیونی و سطح معناداری مربوط را نیز نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سطح معناداری مربوط به متغیرهای بعد ساختاری، بعد رابطه‌ای و بعد شناختی نشان‌دهنده آن است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین سرمایه فکری و ابعاد سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم معناداری وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش ابعاد سرمایه اجتماعی (بعد ساختاری، بعد رابطه‌ای و بعد شناختی)، سرمایه فکری در بین کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان نیز افزایش پیدا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه فکری و دارایی‌های دانشی یکی از عوامل اصلی موفقیت سازمان‌ها در هزاره سوم است. بنابراین، این مقاله شواهدی را در این خصوص فراهم می‌کند که آیا رابطه معناداری بین سرمایه اجتماعی و کارایی سرمایه فکری و مدیریت دانش در بین کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی وجود دارد؟ در همین راستا، این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این پرسش است که: آیا وجود سرمایه اجتماعی در بین کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان تأثیری بر کارایی سرمایه فکری و مدیریت دانش آنها دارد؟

توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری فرضیه اصلی اول پژوهش نشان‌دهنده آن است که بین ابعاد سرمایه اجتماعی (بعد ساختاری، بعد رابطه‌ای و بعد شناختی) و سرمایه فکری در دانشگاه آزاد اسلامی ارسنجان رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. این رابطه به این معنا است که با افزایش سرمایه اجتماعی، سرمایه فکری کارکنان افزایش پیدا می‌کند. هم‌چنین، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری فرضیه اصلی دوم پژوهش نیز نشان‌دهنده آن است که بین ابعاد سرمایه اجتماعی و مدیریت دانش رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. در مجموع، نتایج این پژوهش با شواهد موجود در پژوهش‌های قلیچ‌لی و مشبکی (Ghelichli & Moshabaki, 2006) و خیرخواه (Kheirkhah, 2011) همخوانی دارد.

با توجه به این که چالش‌های فراروی سازمان‌ها در یک اقتصاد پویا، استفاده نکردن از دارایی‌های ناملموس و عدم بهره‌گیری از سرمایه‌های فکری است (Nazem & Motalebi, 2011, pp 44-45) و بر اساس نتایج این پژوهش، ضروری به نظر می‌رسد که به سرمایه‌های اجتماعی سازمان به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر بهبود عملکرد سرمایه‌های فکری و مدیریت دانش توجه شود. مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان می‌توانند با تلاش در جهت اعتمادسازی، برقراری عدالت، ایجاد تعهد سازمانی و طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی ارتباطات داخلی در بین بخش‌های گوناگون سازمان، زمینه‌های تقویت و افزایش سرمایه‌های فکری و دارایی‌های دانشی را از راه بهبود سرمایه‌های اجتماعی ایجاد کنند.

افزون بر این، اگر مدیران دانشگاه آزاد اسلامی ترغیب‌کننده اعتماد، هنجارهای همکاری و هویت مشترک در سازمان باشند در واقع پایه‌ای قوی برای ایجاد سرمایه فکری و مدیریت دانش در سازمان خود به وجود آورده‌اند. در همین راستا، مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی می‌توانند با ایجاد جوی مملو از ارزش‌گذاری و پاسخ به تنوع، روحیه انتقادی و تحمل شکست و بالا بردن انگیزه کارکنان برای تبادل و ترکیب دانش، گام‌های استواری جهت ایجاد و توسعه دارایی‌های دانشی (سرمایه فکری و مدیریت دانش) سازمان خود بردارند. هم‌چنین، مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی می‌توانند با ترغیب و تسهیل در شبکه روابط سازمان خود، دوستی‌ها و ارتباطات غیررسمی کارکنان با یکدیگر را بهبود داده و از این راه موجبات رشد و توسعه دارایی‌های دانشی سازمان خود را فراهم کنند.

در نهایت، بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای کاربردی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. همکاری کارکنان در مورد دستیابی سرمایه‌های اجتماعی به منظور افزایش بهره‌وری و بهبود خروجی مدیریت دانش و در نتیجه بهبود عملکرد و دستیابی به بهبود کیفیت خدمات ارائه شده.

۲. استفاده مؤثر از سرمایه اجتماعی برای بهبود مدیریت دانش و سرمایه فکری سازمان در خصوص ارائه خدمات به عموم مردم، شامل دستیابی به کیفیت پایدار ارائه خدمات.

۳. با توجه به اثرات مثبت سرمایه اجتماعی در بهبود مدیریت دانش و سرمایه فکری، پیشنهاد می‌شود که مسئولین دانشگاه آزاد اسلامی با ایجاد پرتال تخصصی و راه‌اندازی تالار گفتگوی مجازی و اتاق فکر برای تبادل تجربیات میان کارکنان با تخصیص کد دانشی به‌منظور حفظ حقوق مادی و معنوی و ترغیب کارکنان به این امر و استقرار نظام پیشنهادها، باعث بهبود نقش سرمایه اجتماعی بر عملکرد سرمایه فکری و مدیریت دانشی در بین کارکنان خود شوند. هم‌چنین، با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش و محدودیت‌های آن، پیشنهادهای زیر برای پژوهش‌های بعدی پیشنهاد می‌شود:

۱- با توجه به اهمیت سرمایه‌های اجتماعی در بهبود کارایی سرمایه فکری، به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود جهت بالا بردن روایی این پژوهش، به‌گونه جداگانه به بررسی نقش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی در بهبود عملکرد سرمایه فکری و مدیریت دانش بپردازند.

۲- این پژوهش تنها به بررسی اثرات سرمایه اجتماعی بر کارایی سرمایه فکری و مدیریت دانش در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان پرداخته است؛ به پژوهش‌گران آینده پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی در سایر سازمان‌ها و دانشگاه‌ها برای افزایش قدرت تعمیم نتایج پژوهش به کل دانشگاه‌های کشور، انجام دهند.

References

- Abasi, E. and A. Goldi Sedgi (2010). The effect of intellectual capital on firm's financial performance in Tehran Stock Exchange. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, Vol. 17, No. 60, pp. 57-74. [In Persian]
- Alvani, S.M. (2001). Social capital: Concepts and theories. *Quarterly Journal Improvement and Change Management Study*, Vol. 33-34, pp. 3-26. [In Persian]
- Anvari Rostami, A. and H. seraji (2005). Evaluation of the intellectual capital and relationship between intellectual capital and stock market value of the companies listed in Tehran Stock Exchange. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, Vol. 12, No. 1, pp. 49-62. [In Persian]
- Armstrong, M.A. (2001). *Handbook of Human Resource Management Practice*. 8th edition, Kogan page.
- Ashna, M., Monvarian, A. and M.S. Taslimi (2006). The relationship between social capital and entrepreneurship. *Organizational Culture Management*, Vol. 4, No. 4, pp. 27-56. [In Persian]
- Bontis, N. (1999). Managing organizational knowledge by diagnosing intellectual capital: Framing and advancing the state of the field. *International Journal of Technology Management*, Vol. 18, No. 5/6.
- Bontis, N. (2001). Managing organizational Knowledge by diagnosing intellectual capital: framing and advancing the state of the field. *Idea Group publishing*, pp. 271-301.
- Bontis, N., Chua, W., Richardson, S. (2000). Intellectual capital and the nature of business in Malaysia. *Journal of Intellectual Capital*. forthcoming.
- Chen, J., Zhu, Z. and H.Y. Xie (2004). Measuring intellectual capital: a new model and empirical study. *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 5, No. 1, pp. 195-212.
- Ganeie Rad, M.A. (2006). Interactions involved in the formation of social capital among college students and teachers. *Iranian Journal of Sociology*, Vol. 7, No. 1, pp. 3-29. [In Persian]
- Ghelichli, B. and A. Moshabaki (2006). The role of social capital in the creation of intellectual capital. *Management Knowledge*, Vol. 19, pp. 125-147. [In Persian]
- Glaeser, E. (2001). The formation of social capital. *Canadian Journal of Policy Research*, Vol. 2, No. 1, pp. 34-40.
- Inkpen, A.C. (1998). Learning and knowledge acquisition through international strategic alliances. *Academy of management executive*. Vol. 12, No. 4, pp. 144-159.
- Kheirkhah, H. (2011). "A survey on relationship between of social capital and intellectual capital of organization (Case study: Kurdistan education

organizations)". *Master's thesis, Islamic Azad University, Branch of Sanandaj*. [In Persian]

Kogut, B. and U. Znder (1996). What do firms do? Coordination, identity and learning. *Organization Science*, Vol. 7, PP. 502-518.

Krause, D.R., Handfield, R.B. and B.T. Beverly (2006). The relationships between supplier development, commitment, social capital accumulation and performance improvement. *Journal of Operations Management*, Vol. 25, No. 2, pp. 528-545.

Madhoshi, M. and M. Asgharnejadamiri (2009). Measuring intellectual capital and investigate the association between the intellectual capital and financial returns of companies. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, Vol. 16, No. 4, pp. 101-116. [In Persian]

Mahmudabadi, H., Rezaei, G. and A. Gorgani (2012). Examining the impact of organizational justice on the efficiency of intellectual capital (Case study of Shiraz martyr Faghihi Hospital). *Health Accounting*, Vol. 1, No. 2, pp. 72-84. [In Persian]

Nahapiet, J. and S. Ghoshal (1998). Social capital, intellectual capital and the organizational advantage. *Academy of Management Review*, Vol. 23, No. 2, pp. 242-266.

Nazem, F. and A. Motalebi (2011). The structural model for intellectual capital based on organizational learning in martyr Beheshti University. *Quarterly Journal Approaches in Educational Administration*, Vol. 2, No. 5, pp. 29-50. [In Persian]

Putnam, R. (2000). *Boling Alone: the collapse and Revival of American community*. New York: Simon & Schuster.

Quink, U. (2008). An exploration of knowledge management an intellectual capital in a nonprofit organization context. *Thesis of Master, Queensland university of Queensland*.

Rezaei, G., Rezaei, H., Rezaei, L. and F. Manochehri (2013). The role of knowledge management and intellectual capital to improve the quality of services (Case study: Shiraz Martyr Faghihi Hospital). *Health Accounting*, In Press. [In Persian]

Riahi- Belkaoui, A. (2003). Intellectual capital and firm performance of US multinational firms: a study of the resource -based and stakeholder views. *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 4, No. 2, pp. 215-26.

Rohipanah, A., Jajarmizadeh, M., Nikkar M. (2012). Effect on the organizational intangible assets (social capital and intellectual capital) on knowledge management in Yazd province water and wastewater Company. The 3rd International Conference on Industrial Engineering and Systems, Islamic Azad University, Tehran Jonob Branch. [In Persian]

Stewart, T.A. (1997). *Intellectual Capital: The New Wealth of Organizations*. New York: Doubleday/Currency.

Sturbuck, W.H. (1995). Learning by knowledge intensive firms. *Journal of Management Studies*, Vol. 29, No. 6, pp. 713-740.

Tan, H.P., Plowman, D. and P. Hancock (2007). Intellectual capital and financial returns of companies. *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 9, No. 1, pp. 76-95.

White, G., Lee, A., Yuningsih, Y., Nielsen, C., and P.N. Bukh (2010). The nature and extent of voluntary intellectual capital disclosures by Australian and UK biotechnology companies. *Working Paper Series*.

Zack, M.H. (1999). Developing a knowledge strategy. *California Management Review*, Vol. 41, No. 3, pp. 125-145.

Zhang, L. (2007). *Social capital accumulation, business governance, and enterprise performance: A structural-equation-model approach, thesis (M. Phili)*. Hong Kong University of Science and Technology, Appears in collections: SOSC master these.